

## رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی دانش آموزان

محمد مهدی شریعت باقری<sup>۱\*</sup>

آزاده شمسایی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف: هدف اصلی از پژوهش حاضر، تعیین رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه بود. روش پژوهش: روش پژوهش، توصیفی (غیرآزمایشی) و طرح از نوع طرح‌های همبستگی بود، جامعه آماری پژوهش تمام دانش آموزان دختر مقطع اول متوسطه شهرستان چهاردانگه (حدود ۱۱۰۰ نفر) و معلمان آن‌ها (حدود ۱۳۰ نفر) در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند. به منظور برآورد حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۹)، از میان جامعه آماری، نمونه‌ای به حجم ۲۸۵ نفر دانش آموز و ۹۷ نفر معلم تعیین و انتخاب نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و بر اساس لیست اسامی معلمان و دانش‌آموزان بود. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۶۳)، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (۲۰۰۲)، پرسشنامه سبک مدیریت کلاس هوی (۲۰۰۰) بود.

یافته‌ها: به منظور تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. شاخص‌های آمار توصیفی میانگین و واریانس و آمار استنباطی همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام نشان داد که بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش‌آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد و سبک مدیریت کلاس، رابطه‌ای مستقیم با غنی‌سازی محیط کلاس و رشد خلاقیت دانش‌آموز دارد و از طرفی بهزیستی روان‌شناختی نیز در این بین با خلاقیت ارتباط معنادار دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج کلی پژوهش نشان داد که بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش‌آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سبک مدیریت کلاس، معلمان؛ خلاقیت، دانش‌آموزان، بهزیستی روان-

شناختی.

۱. گروه روان‌شناسی بالینی-تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
m.shariatbagheri@iauctb.ac.ir

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران a.shamsaei21@gmail.com

## پیشگفتار

زندگی تحصیلی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی فرد است که بر تربیت و یادگیری ثمربخش و موفقیت آمیز فرد تأثیر می‌گذارد و در آنجا لیاقت‌ها و توانایی‌ها به بار می‌نشیند و پیشرفت‌های علمی حاصل می‌شود اما در زندگی روزانه تحصیلی، دانش‌آموزان با انواع چالش‌ها، موانع و فشارهای خاص این دوره (از جمله نمرات ضعیف، سطوح استرس، مشکل اعتماد به نفس در نتیجه کاهش عملکرد، کمبود انگیزش و تعامل و...) مواجه می‌شوند (نیوکامب، امبادی، اکلس و گومز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). در حقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. فرهنگ وبستر (۱۹۵۳) خلاقیت را مترادف اصطلاحاتی مانند اکتشاف، اختراع، ابداع و نوآوری آورده و کلمه خلاقیت را به معنی به وجود آوردن تعریف کرده است. به عقیده پلوسنیک<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) خلاقیت یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های خردمندی افراد است. تمام موفقیت‌ها و پیشرفت‌های افراد در گروه اندیشه بارو، پویا و مؤثر اوست. از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه افراد، تفکر خلاق است (پلوسنیک، ۲۰۱۸) در فرهنگ روان‌شناسی راجع به معنای خلاقیت چنین آمده است "خلاقیت همان تمایل و ذوق به ایجادگری است که در همه افراد و در همه سنین به طور بالقوه موجود بوده و با محیط اجتماعی - فرهنگی، پیوستگی مستقیم و نزدیک دارد. شرایطی لازم است تا این تمایل طبیعی به خودشکوفایی برسد. ترس از انحراف و سعی در هم‌نوایی با اجتماع، خلاقیت را به بند می‌کشد. کودکان خردسال که از امور و وقایع در شگفت می‌شوند و می‌کوشند که تازگی‌های جهان را دریابند و از طرفی تا زمانی که تحت تأثیر تعلیم و تربیت متعارف قرار نگرفته‌اند به نحو ویژه‌ای خلاق هستند (کفایت، ۱۳۸۳). خلاقیت از جمله مسائلی است که در باره ماهیت و تعریف آن، بین محققان و روان‌شناسان کنونی توافق به عمل نیامده است (مدنیک<sup>۳</sup>، ۱۹۶۲، نقل از دالتون، ۱۹۶۸) امروزه در کشورهای توسعه

1. Newcombe., Ambady., Eccles & Gomez

2. Płóciennik

3. Mednik

یافته، شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش آموزان از مهم ترین هدف‌های آموزش و پرورش به شمار می رود. در کشور ما تاکنون به دلایل مختلف، کمتر به پژوهش و بررسی اساسی پرورش خلاقیت دانش آموزان پرداخته شده و در این زمینه برنامه ریزی چندانی نشده است (شریفی و داوری، ۱۳۸۸ به نقل از عنایتی و عابدی، ۱۳۹۵). در کشورهای دیگر در چند دهه اخیر پژوهش های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده است که نشان می دهد خلاقیت را هم می توان آموزش و پرورش داد. تورنس<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) می نویسد طی پانزده سال تجربه در مطالعه و آموزش تفکر خلاق، شواهدی دیده ام که خلاقیت را می توان آموزش داد (ثابت مقدم و بهرامیان، ۱۳۹۵ به نقل از پرپنجی، دلاور و فرخی، ۱۳۹۸). برخی خلاقیت را به عنوان توانایی همبسته کردن اشیاء، مفاهیم و عقاید دور از دسترس تعریف می کند. استین<sup>۲</sup> (۲۰۰۳، نقل از جکسون، ۱۹۸۰) خلاقیت را فرآیند ایجاد هر چیز جدید و با ارزش می داند که به عوامل گوناگونی نظیر دانش و معلومات، سن و تجربه، هوش و سبک های تفکر بستگی دارد. خلاقیت با دانش ارتباط مستقیم ندارد، ولی با خط مشی نظام آموزشی و ارزشیابی و استفاده مناسب از سبک های فکری ارتباط مستقیم دارد (صمدآقایی، ۱۳۸۳). خلاقیت از عواملی است که با یادگیری ارتباط نزدیک دارد. اگر یک قطب خلاقیت را فعالیت ذهنی بدانیم باید قطب دیگر آن را عوامل اجتماعی و فرهنگی تلقی کنیم. با توجه به این که آموزش، فعالیتی اکتسابی و فرهنگی است می تواند به پرورش قدرت آفرینندگی و خلاقیت در فراگیران پردازد (موسوی و مقامی، ۱۳۹۱).

در سال های اخیر، هم در مراکز پژوهشی و هم در محافل تربیتی مفهوم خلاقیت فراوان مورد بحث و بررسی بوده است و بی تردید پرورش خلاقیت از مهم ترین هدف های آموزش و پرورش به شمار می آید. گانیه<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) خلاقیت را نوعی حل مسأله می داند و معتقد است که خلاقیت بیشتر جنبه شخصی دارد و به شهود و تخیل وابسته است (تعویقی و

1. Torranc  
2. Sten  
3. Ganie

کراسکیان، ۱۳۹۰). خلاقیت توان دیدن چیزها به روشی جدید است. دیدن مسائل و مشکلاتی که هیچ فرد دیگر ممکن نیست متوجه وجود آنها بشود و سپس ارائه راه حل جدید و منحصر به فرد و مؤثر برای آن مشکلات ( فاور و کانتی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، نقل از خلعتبری و سهیلی پور، ۱۳۹۶).

ویژگی مهم خلاقیت، تازگی<sup>۲</sup> نتایج تفکر فرد خلاق است. بنابراین تأکید خلاقیت بر اثر یا بازده فکری تازه است و هسته اصلی تمام مفاهیم مربوط به خلاقیت را مفهوم تازگی تشکیل می دهد. در واقع ویژگی مهم خلاقیت، تفکر واگرا است (ادلمن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). تورنس (۲۰۰۰) خلاقیت را قدرت کنار آمدن فرد با موقعیت های دشوار ذکر کرده است. به هنگام برخورد با موقعیت های دشوار و خطرناک، وقتی که شخص هیچ راه حل از پیش آموخته و تمرین کرده ای ندارد به درجه ای از خلاقیت نیازمند است (سیف، ۱۳۹۴). فرآیند آموزش و یادگیری می تواند تفکر خلاق را پرورش دهد و افرادی کاوشگر، آفریننده، مشکل گشا، نوآور، مولد و عامل تغییر را تربیت کند. تفکر خلاق نوعی تفکر است که فرد در آن بتواند از یک چیز عادی، محصولی جدید به وجود آورد. کسی که تفکر خلاق دارد الزاماً یک فرد استثنایی یا با هوش به معنی خاص آن نیست بلکه کسی است که با کار زیاد و تمرکز فراوان و سخت کوشی روی یک مسأله به نتایج جدیدی می رسد. به عبارت دیگر از پیچیده ترین و عالی ترین جلوه های اندیشه انسان، تفکر خلاق است. تفکر خلاق همان تفکر ابتکاری است (چائو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ باب السلام و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲). یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار نوآورانه (خلاقیت) می تواند باور افراد باشد چراکه اساس شخصیت هر فرد را سازماندهی مفاهیم و باورهای وی در مورد موقعیت ها و رویدادها شکل می دهد (پروین و جان<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). باورها بر طبق میزان تأثیرشان در زندگی فرد، به دو دسته کلی

---

1. Fowler & County  
2. freshness  
3. Adelman  
4. Chao  
5. Pervin & John

منطقی و غیرمنطقی طبقه بندی می شوند. بر این اساس باورهای غیرمنطقی هرگونه فکر، هیجان و یا رفتاری است که منجر به تخریب نفس واز بین رفتن خود می شوند و پیامدهای مهم آن اختلال در بقاء، خوشحالی و شادمانی است (الیس، ۱۹۷۷) باورهای غیرمنطقی معلم می تواند شرایط استرس زای مدرسه را در حالت وخیم تری قرار دهد و بر عملکرد و رفتار دانش آموزان تأثیر گذارد (بمجو و پریئو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، به نقل از مهرآمیز، اکبری بورنگ و رستمی نژاد، ۱۳۹۶). گوپتا<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این مهم اشاره داشته اند که خلاقیت توان پیش بینی بهزیستی روان شناختی را دارا است. در سالیان اخیر رویکرد آسیب شناختی به مطالعه سلامتی انسان مورد انتقاد قرار گرفته است. برخلاف این دیدگاه که سلامتی را به عنوان نداشتن بیماری تعریف می کند رویکردهای جدید بر خوب بودن به جای بد بودن یا بیمار بودن تأکید می کنند (ریف و سینگر و لائو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). در واقع، در قرن بیست و یکم علم روان شناسی متوجه این امر شده است که انسان باید انرژی عقلانی خود را صرف جنبه های مثبت تجربه اش کند. چون در آغاز، روان شناسی بیشتر بر هیجان های منفی مانند اضطراب و افسردگی تمرکز داشت تا بر هیجان های مثبت مانند شادکامی و رضایت. متون علمی نیز بیشتر در مورد رنج صحبت کرده بودند تا لذت. ولی امروزه پژوهش درباره بهزیستی و روان شناسی مثبت به طور روز افزون در حال رشد است (والکر و شیماک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷، لواسانی و همکاران، ۱۳۹۲). تاکنون در مورد احساس بهزیستی تعاریف، مفهوم سازی و طبقه بندی های متعددی ارائه شده است (ریف<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). هنگامی که ما از بهزیستی روان شناختی صحبت می کنیم به یک سازه در ارتباط با عملکرد مطلوب و مثبت یک فرد اشاره داریم (دسی و ریان، ۲۰۰۸). برای بیش از ۲۰ سال، مطالعه بهزیستی روان شناختی توسط دو مفهوم اساسی هدایت شده است. ما می توانیم اولین مفهوم را در کار برادبورن (۱۹۶۹) که بین هیجان منفی

1. Bemjo & Prieto  
2. Gupta  
3. Ryff & singer  
4. Walker & Shimak  
5. Ryff

و مثبت فرق گذاشت و بهزیستی را به عنوان دستیابی به تعادل بین این دو تعریف نمود بیابیم. فرمول‌بندی دوم، که در میان جامعه‌شناسان اهمیت به دست آورده است به رضایت از زندگی به عنوان یک شاخص مهم بهزیستی توجه می‌کند (ولز، ۲۰۱۴). در یک تعریف نسبتاً ساده و روان می‌توان گفت احساس بهزیستی وجود و حضور شرایط خوب و رضایت‌بخش همراه با حضور سلامت، شادمانی و کامیابی است. یکی از نظریه‌های مطرح در حوزه مفهوم‌سازی چند بعدی بهزیستی روان‌شناختی، نظریه ریف (۲۰۰۲) است که بر اساس بررسی‌هایی که به عمل آورد الگویی شش مؤلفه‌ای از بهزیستی روان‌شناختی ارائه کرد. این شش مؤلفه شامل پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی است. دسی و ریان<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) بهزیستی را تابعی از عوامل محیطی و سطح خودتعیینی افراد می‌دانند. از سوی دیگر در میان مجموعه فعالیت‌هایی که برای تعلیم و تربیت دانش آموزان انجام می‌شود، بیش‌ترین سهم به تدریس معلم در کلاس درس و مدیریت کلاس توسط وی اختصاص می‌یابد (کدیور، ۱۳۹۳). مهم‌ترین عامل در امر یادگیری خلاق، نقش معلم در آموزش است و این معلمان هستند که محیط‌های یادگیری خوبی می‌سازند لذا کیفیت کار معلم و سبک مدیریت کلاس او در رأس امور مربوط به آموزش و یادگیری خلاق است. مدیریت کلاس، یکی از معمول‌ترین و مطرح‌ترین مسائل و مشکلات کلاس‌های درس است که بررسی‌های اندکی در مورد آن انجام گرفته است (اوری آهی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، نقل از هژیوری و شفیع زاده، ۱۳۹۶). باتاستینی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود میان خلاقیت و اثربخشی در مدارس ارتباط قوی به دست آورد. در این پژوهش، پیشنهاد می‌کند که حتماً از روش‌های خلاق آموزشی در مدارس استفاده شود. آمابیل<sup>۴</sup> (۲۰۰۹، نقل از اوجی نژاد، ۱۳۸۹) در مطالعه‌ای، نقش مدرسان در فراهم آوردن محیط مثبت در کلاس درس، داشتن روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، فرصت و

---

1. Deci & Ryan  
 2. Oriahi  
 3. Batastini  
 4. Amabile

استقلال به فراگیران را از مهمترین عوامل رشد خلاقیت دانش آموزان می داند. مناسب ترین بستر، برای پرورش خلاقیت، نظام تعلیم و تربیت و در بطن آن، مدرسه است (اوجی نژاد، ۱۳۸۹، نقل از رسولی و عیسی مراد، ۱۳۹۵). عدم مدیریت صحیح کلاس موجب اختلال در یادگیری کلیه دانش آموزان می شود و دانش آموزان زمان بیشتری را برای یادگیری از دست می دهند به گونه ای که معلمان بیش از ۵۰ درصد زمان کلاس خود را صرف مدیریت رفتار دانش آموزان و کنترل کلاس می کنند (آدیمو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲) بنابراین معلم بخشی از سیستم اجتماعی کلاس درس است که وظیفه او اداره و کنترل کلاس، ایجاد نظم و انضباط، آموزش اثربخش و ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است (اوریم و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). مدیریت کلاس درس عبارت از رهبری کردن امور کلاس درس از طریق: تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسائل بالقوه است (کایکسی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹، نقل از هژبری و شفیع زاده، ۱۳۹۶).

مدیریت کلاس، هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره گیری از مهارت های کلاس-داری در مدیریت دانش آموزان به سوی اهداف مطلوب و مد نظر آنها و جامعه است (دیجیک و استاجیلکوویچ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). منظور از سبک مدیریت کلاس در بعضی از تعاریف، شیوه های است که معلم برای کنترل دانش آموزان و برقراری نظم و انضباط به کار می برد اما باید گفت که کنترل کلاس، اصطلاحی برای توصیف تلاش های معلم برای سرپرستی تمام فعالیت های کلاس است که شامل فعالیت های یادگیری، تعاملات اجتماعی و رفتار دانش آموزان می شود. بنابراین کنترل کلاس شامل انضباط است اما محدود به آن نیست (آدیمو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). دو شیوه مدیریت کلاس شامل روش آمرانه یا معلم محور و روش آزادانه

---

1. Adeyemo  
2. Evrim et al  
3. Kaykci et al  
4. Djigic & Stojiljkovic  
5. Adeyemo

یا فراگیر محور را بیان نمود. (هوی، ۲۰۰۵). سبک آمرانه، به رویکرد سنتی گرایش دارند که دانش آموزان را به عنوان غیر مسئول و نیازمند انضباط ببینند. بر این اساس، انتظار می رود که دانش آموزان تصمیمات معلمان را بدون چون و چرا بپذیرند، اما در سبک آزادانه، دانش آموزان از طریق تعامل و تشریک مساعی در فعالیت های کلاسی می آموزند که روابط بین فردی میان آنها و معلمان، نزدیک و انسان دوستانه است و خود انضباطی و خودگردانی به جای کنترل خشک معلم مورد تأکید قرار می گیرد (کوکورا، ۲۰۱۲؛ اصغری، ناستی زایی و پورفاز، ۱۳۹۵). از طرفی امروزه چگونگی اداره کلاس های اثر بخش در محیط آموزشی، نسبت به سایر جنبه های کلاس کمتر مورد توجه قرار گرفته است و مسئولیت مستقیم اداره کلاس و آموزش و همچنین حفظ آزادی، مشارکت فعال، لذت دانش آموزان، در کنار نظم و سازماندهی کلاس از وظایف بس دشوار معلمان است. معلم، بخشی از سیستم کلاس درس است که در اثربخشی مدیریت کلاس مؤثر است. اثربخشی و کارآیی به عنوان عامل مهم در بازدهی کار یک مربی محسوب می شود. علاوه بر آن حرفه معلم ایجاب می کند که معلم اثربخش باشد؛ یعنی به نتایج مطلوب در امر تدریس دست یابد. شیوه تدریس و قدرت بیان، توان علمی، صبر، حوصله و اخلاق، قدرت بیان و توانایی در تفهیم درس و ویژگی فردی و رفتاری، ویژگی شخصیتی، اطلاعات علمی، شیوه تدریس و قدرت مدیریت کلاس تسلط به موضوع درس، داشتن اعتماد به نفس، ارتباط صمیمانه بایادگیرنده رابه ترتیب از مهم ترین اولویت و عامل تأثیرگذار بر مدیریت کلاس درس<sup>۳</sup> دانسته اند (وکیلی و همکاران، ۱۳۸۹). این فرضیه اصلی در این پژوهش وجود دارد که بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

1. Hoy  
2. Kokura  
3. classroom management



پژوهش رستگار، صیف و مالکی (۱۳۹۷) درباره بررسی رابطه سبک‌های مدیریت کلاس با بهزیستی تحصیلی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان شناختی در بین دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه بوشهر نشان داد که اثر غیرمستقیم سبک مدیریت تعاملی بر بهزیستی تحصیلی معنادار است. همچنین اثر غیرمستقیم سبک مدیریت غیر مداخله گر بر بهزیستی تحصیلی معنادار است و در نهایت اثر غیرمستقیم سبک مدیریت مداخله گر بر بهزیستی تحصیلی معنادار است.

پژوهش جهان تیغ و فتاحی (۱۳۹۶) درباره بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با بهزیستی روان شناختی دانش آموزان دختر متوسطه اول شهرستان زابل نشان داد که بین هوش هیجانی با بهزیستی روان شناختی و بین خلاقیت با بهزیستی روان شناختی و بین هوش هیجانی با خلاقیت در بین دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان زابل رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش هژبری و شفیع زاده (۱۳۹۶) درباره رابطه سبک مدیریت کلاس مبتنی بر خلاقیت با کیفیت زندگی در مدرسه و اضطراب دانش آموزان نشان داد که از بین سبک‌های مدیریت کلاس، تنها بین سبک مدیریت کلاس تعامل گرا (که ارتباط نزدیکی با خلاقیت دارد) با میزان اضطراب دانش آموزان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، از بین سبک‌های مدیریت کلاس، تنها بین سبک مدیریت کلاس تعامل گرا با کیفیت زندگی در مدرسه دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهش جوهری و حیدری (۱۳۹۴) درباره پیشینی بهزیستی روان شناختی دانش آموزان براساس خلاقیت و تحمل بلا تکلیفی نشان داد که خلاقیت و توانایی تحمل بلا تکلیفی پیشینی کننده مثبت و معنادار بهزیستی روان شناختی دانش آموزان هستند. پژوهش تجرد، فاضل و قاسمی (۱۳۹۳) درباره بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های تفکر خلاق و نقادانه در بهزیستی روان شناختی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر جهرم نشان داد که آموزش مهارت‌های تفکر خلاق و نقادانه در بهزیستی روان شناختی نوجوانان تأثیر می‌گذارد و آن را ارتقا می‌دهد. پژوهش پارسا (۱۳۹۳) درباره بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت، خودکارآمدی

هیجانی و خلاقیت هیجانی با بهزیستی مدرسه در دانش آموزان دوره متوسطه نشان داد که ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین (ویژگی‌های شخصیت، خودکارآمدی هیجانی، خلاقیت هیجانی) با ترکیب خطی مؤلفه‌های بهزیستی مدرسه (علاقه به مدرسه، خودکارآمدی ادراک شده تحصیلی و رفتارهای مخرب) همراه است و ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین (وظیفه شناسی و تشخیص) ۰/۱۷ واریانس مؤلفه‌های بهزیستی مدرسه (خودکارآمدی ادراک شده) را پیش‌بینی می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد، در پیش‌بینی مؤلفه علاقه به مدرسه، به ترتیب متغیرهای روان رنجورخویی و وظیفه‌شناسی نقش مهمی دارند. همچنین در پیش‌بینی مؤلفه خودکارآمدی ادراک شده، به ترتیب متغیرهای تنظیم، درک، تشخیص، تسهیل، نوآوری، توافق‌پذیری، آمادگی و وظیفه‌شناسی نقش مهمی دارند و از میان متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی مؤلفه رفتارهای مخرب، متغیرهای وظیفه‌شناسی و نوآوری نقش مهمی دارند. پژوهش رسولی (۱۳۹۳) درباره بررسی رابطه خلاقیت و جهت‌گیری هدف پیشرفت با سبک مدیریت کلاسی معلمان ابتدایی شهرستان پیرانشهر نشان داد که خلاقیت و مؤلفه‌های جهت‌گیری هدف با سبک مدیریت کلاسی تعاملی و مداخله‌گرایانه رابطه معناداری دارند. خلاقیت با مؤلفه‌های جهت‌گیری هدف رابطه دارد و رابطه جهت‌گیری هدف با سبک مدیریت کلاسی تعاملی و مداخله‌گرایانه معنادار است. خلاقیت و جهت‌اهداف می‌توانند تغییرات سبک مدیریت کلاسی تعاملی و مداخله‌گرایانه را پیش‌بینی کنند اما پیش‌بینی سبک غیر مداخله‌گرایانه معنادار نبود و همین‌طور نتایج نشان داد که میانگین سبک مدیریت کلاسی غیر مداخله‌گرایانه در زنان به طور معناداری بالاتر است ولی بین زنان و مردان در خلاقیت و سبک مدیریت کلاسی تعاملی و مداخله‌گرایانه تفاوت معناداری وجود ندارد. پژوهش سلیمان نژاد (۱۳۹۳) درباره رابطه سبک رفتار رهبری معلم با خلاقیت دانش آموزان مدارس راهنمایی نشان داد که بین سبک رفتار رهبری وظیفه‌مدار و خلاقیت رابطه معنادار منفی، بین سبک رفتار رهبری رابطه‌مدار و خلاقیت رابطه معنادار مثبت و بین سبک رفتار رهبری تلفیقی و خلاقیت رابطه معنادار مثبت برقرار است. پژوهش مشایخ و

برزیده (۱۳۹۰) درباره بررسی تأثیر سبک رفتار رهبری معلم بر خلاقیت دانش آموزان دبستانی نشان داد که دانش آموزان معلمان دارای سبک تلفیقی نسبت به دانش آموزان معلمان با سبک رفتار رهبری وظیفه مدار یا رابطه مدار، خلاقیت بالاتری دارند. جنسیت معلم به تنهایی با خلاقیت دانش آموزان رابطه‌ای ندارد؛ اما تعامل جنسیت با سبک رهبری تأثیری معنادار بر خلاقیت دانش آموزان دارد. همچنین در بین دختران و پسران از نظر میزان خلاقیت تفاوت معناداری وجود دارد.

بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

پژوهش تانکین و مارلو<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) درباره تأثیر آموزش تفکر خلاق بر خودکارآمدی تحصیلی و بهزیستی روان شناختی دانش آموزان نشان داد که آموزش تفکر خلاق به طور مثبت و معناداری منجر به افزایش خودکارآمدی تحصیلی و بهزیستی روان شناختی دانش آموزان می‌شود. پژوهش سیگیلای<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) درباره نقش سبک مدیریت معلمان بر تفکر خلاق و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان کنیایی نشان داد که فقط سبک مدیریت تلفیقی پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار فکر خلاق و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان کنیایی است. پژوهش کالون، گیلبرت و الون<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) درباره پیش‌بینی بهزیستی تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در دانش آموزان تک سرپرست بر اساس هوش هیجانی و خلاقیت نشان داد که هوش هیجانی و خلاقیت پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار بهزیستی تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه در دانش آموزان تک سرپرست هستند. پژوهش بوسیوک و سربیا<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) درباره رابطه سبک رهبری معلمان با خلاقیت دانش آموزان نشان داد که بین سبک رهبری رابطه مدار و تلفیقی با خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار و بین سبک رهبری وظیفه مدار با خلاقیت دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

1. Tankein & Marlow  
2. Sigilai  
3. Kaloon, Gilbert & Alon  
4. Bosiok, D., & D. Serbia

پژوهش فایندر و بورگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) درباره نقش سبک مدیریت معلمان در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری و خلاقیت دانش‌آموزان هلندی نشان داد که سبک مدیریت آزادانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار مسئولیت‌پذیری و خلاقیت دانش‌آموزان و سبک مدیریت آمرانه پیش‌بینی‌کننده منفی مسئولیت‌پذیری و خلاقیت دانش‌آموزان است. موريسان و ورهائوس<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس بهزیستی روان‌شناختی انجام داده‌اند. نمونه‌ها شامل ۳۲۱ دانش‌آموز بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده بهزیستی روان‌شناختی توان پیش‌بینی موفقیت تحصیلی را داشته است. ایاش و سانچز<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان رابطه بین بهزیستی روان‌شناختی و پیشرفت تحصیلی انجام داده‌اند. بر اساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش بین بهزیستی روان‌شناختی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود داشته است.

## روش پژوهش

موضوع پژوهش، تعیین رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش‌آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه است. روش پژوهش حاضر، توصیفی (غیرآزمایشی) و طرح از نوع طرح‌های همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه شهرستان چهاردانگه (حدود ۱۱۰۰ نفر) و معلمان آن‌ها (حدود ۱۳۰ نفر) در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند. با توجه به نوع و ماهیت پژوهش (همبستگی) و با توجه به حجم جامعه به منظور برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۹) استفاده شد که بر اساس این جدول از میان جامعه آماری نمونه‌ای به حجم ۲۸۵ نفر برای دانش‌آموزان و ۹۷ نفر برای معلمان و بر اساس لیست

1. Fayender & Bourg  
2. Morrison & Vorhau  
3. Ayyash-Abdo & Sánchez

اسامی معلمان و دانش آموزان تعیین شد و در انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. بر این اساس، ابتدا نمونه‌های معلمان به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس دانش آموزان معلمان مذکور نیز به عنوان نمونه‌های دانش آموزان در نظر گرفته شدند. ابزارهای پژوهش به قرار زیر بودند:

پرسشنامه خلاقیت عابدی (۱۳۶۳): عابدی (۱۳۶۳) براساس تئوری و تعریف تورنس از خلاقیت در دانشگاه تهران، یک آزمون ۷۵ سؤالی برای اندازه‌گیری خلاقیت ساخت و در تهران بر روی گروهی متشکل از ۶۵۰ دانش آموز کلاس سوم راهنمایی هنجار شد. این آزمون در اهواز توسط کفایت (۱۳۷۲) و در تهران توسط کیامنش (۱۳۷۲) به طور هم زمان ترجمه شد و پس از بررسی و تصحیح شکرکن، به کار گرفته شده است و در سال ۱۳۷۷ توسط دائمی در دانشگاه تربیت معلم تهران بر روی دانش آموزان دبیرستانی تهران هنجار شد. در پژوهش بشارت و عباسپور (۱۳۹۰) اعتبار آزمون خلاقیت از طریق همبسته کردن آن با آزمون خلاقیت رندسیپ<sup>۱</sup> ۰/۷۱ بدست آمد. همچنین بشارت و عباسپور (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آوردند که نشان دهنده روایی و پایایی قابل قبول است.

پرسشنامه بهزیستی روان شناختی ریف (۲۰۰۲): مقیاس ریف (۲۰۰۲) شامل ۸۴ سؤال و شش عامل خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود است که مجموع نمرات این ۶ عامل به عنوان نمره کلی بهزیستی روان شناختی محاسبه می‌شود. بیانی و همکاران (۱۳۸۴) و سوری و اژه ای (۱۳۹۲) روایی و پایایی این آزمون را در یک نمونه ۳۲۱ نفری مورد مطالعه قرار دادند و ضرایب همسانی درونی مقیاس‌ها را بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۳ و ضریب پایایی بازآزمایی پس از شش هفته را ۰/۸۱ تا ۰/۸۶ گزارش کردند. همچنین همبستگی بین خرده مقیاس‌ها بین ۰/۳۲ تا ۰/۷۶ گزارش شد که بالاترین همبستگی بین پذیرش خود و تسلط بر محیط و پایین‌ترین همبستگی بین

1. Randseep

خودمختاری و روابط مثبت با دیگران به دست آمد. در تحقیق بزازیان و همکاران (۱۳۹۰) نیز همسانی درونی نتایج این آزمون مورد بررسی قرار گرفت و آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس خودمختاری برابر با ۰/۶۸، برای خرده‌مقیاس تسلط بر محیط ۰/۵۹، برای خرده‌مقیاس رشد شخصی ۰/۷۴، برای خرده‌مقیاس ارتباط مثبت با دیگران ۰/۷۰، برای خرده‌مقیاس هدفمندی در زندگی ۰/۷۹، برای خرده‌مقیاس پذیرش خود ۰/۶۴ و برای کل مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه سبک مدیریت کلاس هوی (۲۰۰۰): پرسشنامه سبک مدیریت کلاس هوی (۲۰۰۰) که مقیاس (مدیریت رفتار، افراد و آموزش) است. مدیریت آموزش ۱۳ سوال، مدیریت افراد ۸ سوال و مدیریت رفتار شامل ۴ سوال است. نمره کل سبک مدیریت کلاس از جمع این سه مقیاس به دست می‌آید. پاسخ‌ها نیز در یک مقیاس چهارگزینه‌ای تهیه شده است (همیشه، معمولاً، تا اندازه‌ای، هرگز). نمره گذاری پرسشنامه در مقیاس فاصله‌ای به این شرح است:

(هرگز = ۱ تا اندازه‌ای = ۲ معمولاً = ۳ همیشه = ۴). نمره گذاری برای سؤالات ۴، ۳، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۴ معکوس است. نمرات در طیفی از ۲۵ تا ۱۰۰ قرار دارند. نمره بالا در این طیف نشانگر سبک مداخله‌گر و نمره پایین نشانگر سبک غیرمداخله‌گر است. سبک تعامل‌گر نیز در نقطه میانی این طیف بین دو سبک دیگر قرار دارد.

این پرسشنامه برای اولین بار در ایران به وسیله امین یزدی و عالی (۱۳۸۷)، بر روی معلمان اجرا شده و هنجاریابی و اعتباریابی آن نیز توسط آن‌ها صورت گرفته است. کسب نظر متخصصان درباره صحت گویه‌ها و هماهنگی با ابعاد متغیر که در مجموع با توجه به فراوانی - های مناسب درستی گویه‌های پرسشنامه تأیید شد و اجرای تحلیل عاملی بر روی داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه جهت بررسی روایی سازه مشخص کرد که همه گویه‌های پرسشنامه روی عوامل دارای بار عاملی هستند (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۸). میزان روایی

پرسشنامه سبک مدیریت کلاس ۷۰٪ برآورد شده است. پایایی پرسشنامه سبک مدیریت کلاس ۶۸٪ برآورد شده است (حافظ نیا، بادپروا ۱۳۹۲).

## یافته های پژوهش

### یافته های توصیفی

در این قسمت، اطلاعات حاصل از اجرای پرسشنامه ها بر روی اعضای نمونه تحقیق مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار می گیرد. اطلاعاتی که در این قسمت ارائه می شود، شامل کم ترین، بیش ترین، میانگین و انحراف استاندارد و همچنین نتایج آماره لوین برای نرمالیتی داده ها است که حاصل اجرای پرسشنامه ها بر روی شرکت کنندگان در تحقیق است.

جدول ۱. یافته های توصیفی و نرمالیتی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره کالموگراف اسمیرنوف	سطح معناداری
بهبودی روان شناختی	۶۵/۳۴	۱۵/۵۹	۱/۳۹۵	۰/۷۴۱
خلاقیت	۱۱۹/۱۵	۲۱/۱۳	۰/۸۰۴	۰/۶۳۷
سبک مدیریت آموزشی	۳۱/۵۶	۸/۳۱	۱/۲۳۴	۰/۹۵۱
سبک مدیریت رفتاری	۱۹/۸۵	۵/۸۶	۱/۳۲۷	۰/۹۵۹
سبک مدیریت افراد	۱۰/۷۲	۲/۴۰	۱/۴۵۵	۰/۹۲۹

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود میانگین متعلق به نمره کل یهزیستی روان شناختی (۶۵/۳۴)، خلاقیت (۱۱۹/۱۵)، سبک مدیریت آموزشی (۳۱/۵۶)، سبک مدیریت رفتاری (۱۹/۸۵) و سبک مدیریت افراد (۱۰/۷۲) است. همچنین جهت بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کالموگراف اسمیرنوف استفاده شد، که نتایج آن در تمامی متغیرها با توجه به سطح معناداری بالاتر از آلفای ۰/۰۵ نشان از نرمال بودن داده ها است

### آزمون فرضیه های پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی تعیین رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با میانجی گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه است و نیز بررسی رابطه دو به دو بین مؤلفه های تحقیق از دیگر اهداف پژوهش حاضر است. در چنین شرایطی جهت آزمون فرضیه های پژوهش برای بررسی نقش متغیر میانجی گری بهزیستی روان شناختی از رگرسیون چند متغیره و جهت بررسی همبستگی بین مؤلفه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. رگرسیون چند متغیره دارای سه مفروضه اساسی است که ابتدا به بررسی آن ها پرداخته خواهد شد. برای بررسی سه پیش فرض نرمال بودن، عدم هم خطی چند گانه و عدم همبستگی پسماندها به ترتیب از آماره های کالموگراف اسمیرنوف، عامل تورم واریانس<sup>۱</sup> و دوربین - واتسون<sup>۲</sup> استفاده می - شود. بر اساس نتایج جدول (۴-۱) فرض نرمال بودن برای همه متغیرها تأیید شد. مقدار عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای پیش بین سبک مدیریت کلاس و ابعاد آن و بهزیستی روان شناختی آنها در دامنه ۱/۰۴۴ تا ۱/۰۰۱ قرار داشت که از ۱۰ فاصله زیادی دارد، بنابراین فرض هم خطی بودن چند گانه رد می شود. چون اگر مقدار عامل تورم واریانس بزرگ تر از ۱۰ باشد، فرض هم خطی چند گانه تأیید می شود. همچنین مقدار دوربین - واتسون برای متغیر ملاک در دامنه ۱/۰۱۹ تا ۱/۸۲۹ بود که از ۰ و ۴ فاصله زیادی دارد بنابراین فرض همبستگی پسماندها نیز رد می شود. چون اگر مقدار دوربین - واتسون به ۰ یا ۴ نزدیک باشد، فرض همبستگی پسماندها تأیید می شود (مومنی و قیومی، ۱۳۸۹). با توجه به نکاتی که ذکر شد پیش فرض های استفاده از رگرسیون وجود دارد.

1. variance Inflation Fact  
2. Durbin-Watson



## تحلیل فرضیه اصلی

فرضیه اصلی: بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با میانجی گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

برای بررسی نقش میانجی گری بهزیستی روان شناختی در رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان لازم است مدل رگرسیونی سلسله مراتبی به مشاهدات برازش داده شود. در صورتی که  $X_i$  بیانگر متغیر مستقل،  $Y_i$  بیانگر متغیر ملاک (وابسته)،  $Z_i$  بیانگر متغیر میانجی است. برای اجرای مدل رگرسیونی به روش سلسله مراتبی باید سه مدل زیر به مشاهدات برازش داده شوند.

$$\begin{cases} Y_i = \beta_0 + \beta_1 X_i + \epsilon_i & \text{(مدل ۱-۴)} \\ Y_i = \beta_0 + \beta_1 X_i + \beta_2 Z_i + \epsilon_i & \text{(مدل ۲-۴)} \\ Y_i = \beta_0 + \beta_1 X_i + \beta_2 Z_i + \beta_3 X_i * Z_i + \epsilon_{ii} & \text{(مدل ۳-۴)} \end{cases}$$

حال برای ارزیابی نقش میانجی گری بهزیستی روان شناختی در رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان مدل های رگرسیونی فوق را به مشاهدات برازش می دهیم. در این حالت، متغیر مستقل سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان، متغیر میانجی بهزیستی روان شناختی و متغیر وابسته خلاقیت دانش آموزان است. مؤلفه های متغیر مستقل سبک مدیریت کلاس معلمان، مدیریت آموزش، مدیریت افراد و مدیریت رفتار است. از آنجا که متغیر مستقل در سه سطح است. خلاصه نتایج در سه جدول ارائه شده است که در هر جدول به بررسی رابطه با یک سطح از سطوح سه گانه متغیر مستقل (سبک مدیریت) پرداخته شده است.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون چندگانه تعاملی (سبک مدیریت آموزشی)

مدل	متغیر	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب استاندارد	T	مقدار احتمال	F	مقدار احتمال	R <sup>2</sup>	دوربین واتسون
۱	ضریب	۳۳/۰۵۳	۱/۳۲۲	-	۲۴/۹۶۶	۰/۰۰۱	۴۴۸۰/۵۰۰	۰/۰۰۱	۰/۵۴۶	۱/۵۹۸
	بهبودی روان‌شناختی	۱/۳۱۸	۰/۰۲۰	۰/۵۷۳	۶۶/۹۳۷	۰/۰۰۱				
	ثابت	۳۲/۹۲۷	۱/۲۵۸	-	۲۶/۱۶۷	۰/۰۰۱				
۲	بهبودی روان‌شناختی	۱/۱۱۶	۰/۰۴۳	۰/۴۲۴	۲۶/۲۲۲	۰/۰۰۱	۲۴۸۸/۷۳۷	۰/۰۰۱	۱۰/۵۵	۱/۱۷۶
	مدیریت آموزشی	۰/۴۲۱	۰/۰۸۰	۰/۱۶۶	۲۷۳/۵	۰/۰۰۱				
	ثابت	۷۲/۷۳۸	۳/۹۱۴	-	۱۸/۵۸۳	۰/۰۰۱				
۳	بهبودی روان‌شناختی	۰/۰۲۲	۰/۰۰۲	۱/۰۴۷	۱۰/۵۵۹	۰/۰۰۱	۲۴۱۵/۲۴۶	۰/۰۰۱	۰/۵۶۶	۱/۱۷۰
	* مدیریت آموزشی	-۱/۳۸۷	۰/۱۸۴	-۰/۵۴۶	-۷/۵۴۷	۰/۰۰۱				
	مدیریت آموزشی									

همان طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود میزان R<sup>2</sup> در مرحله اول (۰/۵۴۶) و در مرحله دوم بعد از وارد کردن متغیر تعدیل گر به شکل مجزا (۰/۵۵۱) است و در نهایت در مرحله سوم برای آزمون فرضیه اثر متقابل بهبودی روان شناختی و مدیریت آموزشی به مدل اضافه شد و میزان R<sup>2</sup> (۰/۵۶۶) بدست آمد که میزان آن در مرحله سوم بعد از ورود اثر تعاملی بهبودی روان شناختی و مدیریت آموزشی تغییر داشته است. لازم به ذکر است در مدل اول، ضریب رگرسیونی متناظر با شاخص بهبودی روان شناختی ۱/۳۱۸ و سطح معناداری متناظر با آن ۰/۰۰۱ است، بنابراین با افزایش میزان بهبودی روان شناختی میزان خلاقیت افزایش می یابد. از طرفی در مدل دوم ضریب استاندارد متناظر با بهبودی روان شناختی و مدیریت آموزشی به ترتیب برابر ۱/۱۱۶ و ۰/۴۲۱ است؛ لذا با توجه به کمتر بودن

سطح معناداری در هر دو مدل، این گونه استنباط می شود که بهبود هر دو شاخص بهزیستی روان شناختی و مدیریت آموزشی باعث افزایش خلاقیت می شود. در مدل سوم اثر توأم بهزیستی روان شناختی و مدیریت آموزشی دارای ضریب رگرسیونی ۰/۰۰۲ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. لذا با توجه به معنادار بودن مدل سوم و متفاوت بودن مدل ها با یکدیگر می توان گفت مؤلفه اول فرضیه اصلی مبنی بر اینکه بین سبک مدیریت آموزشی معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد با اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود. ضمناً آماره دوربین واتسون معیاری برای تعیین خود همبستگی خطاها (باقیمانده) مدل است که به طور کلی عددی بین ۰ تا ۴ است و هر چه به ۲ نزدیک تر باشد، مطلوب تر است که این موضوع در هر سه مدل رخ داده است.

**جدول ۳.** تحلیل رگرسیون چندگانه تعاملی (سبک مدیریت رفتاری)

مدل	متغیر	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب استاندارد	T	مقدار احتمال	F	مقدار احتمال	R <sup>2</sup>	دوربین واتسون
I	ضریب	۰/۵۳/۳۳	۱/۳۲۲	-	۲۴/۹۶۶	۰/۰۰۱	۴۴۸۰/۵۰۰	۰/۰۰۱	۰/۵۴۶	۱/۵۹۸
	بهزیستی روان شناختی	۱/۳۱۸	۰/۰۲۰	۰/۵۷۳	۶۶/۹۳۷	۰/۰۰۱				
	ثابت	۵۳/۶۳۰	۱/۲۸۳	-	۲۷/۷۷۷	۰/۰۰۱				
II	بهزیستی روان شناختی	۱/۰۱۵	۰/۰۴۹	۰/۴۴۹	۲۰/۷۲۴	۰/۰۰۱	۲۶۴۱/۴۶۲	۰/۰۰۱	۰/۵۴۷	۱/۵۹۸
	مدیریت رفتاری	۰/۸۶۶	۰/۱۳۰	۰/۲۴۱	۶/۶۵۷	۰/۰۰۱				
	ثابت	۶۷/۵۳۴	۳/۰۵۷	-	۲۲/۰۹۵	۰/۰۰۱				
III	بهزیستی روان شناختی	۰/۶۳۶	۰/۰۵۳	۰/۳۶۹	۱۲/۲۵۷	۰/۰۰۱	۲۶۴۹/۲۰۰	۰/۰۰۱	۰/۵۶۹	۱/۰۱۹
	بهزیستی روان شناختی	۰/۳۱	۰/۰۰۳	۰/۴۶۹	۱۱/۱۲۰	۰/۰۰۱				
	* مدیریت رفتاری	۰/۳۱	۰/۰۰۳	۰/۴۶۹	۱۱/۱۲۰	۰/۰۰۱				
	مدیریت رفتاری	-۶۴۰/۱	۰/۲۵۰	-۰/۴۵۶	-۶/۵۷۴	۰/۰۰۱				

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می کنید، میزان  $R^2$  در مرحله ی اول (۰/۵۴۶) و در مرحله دوم بعد از وارد کردن متغیر تعدیل گر به شکل مجزا (۰/۵۴۷) است و در نهایت در مرحله سوم برای آزمون فرضیه اثر متقابل بهزیستی روان شناختی و مدیریت رفتاری به مدل اضافه شد و میزان  $R^2$  (۰/۵۶۹) به دست آمد که میزان آن در مرحله سوم بعد از ورود اثر تعاملی بهزیستی روان شناختی و مدیریت رفتاری تغییر داشته است. لازم به ذکر است در مدل اول، ضریب رگرسیونی متناظر با شاخص بهزیستی روان شناختی ۱/۳۱۸ و سطح معناداری متناظر با آن ۰/۰۰۱ است بنابراین با افزایش میزان بهزیستی روان شناختی میزان خلاقیت افزایش می یابد. از طرفی در مدل دوم ضریب استاندارد متناظر با بهزیستی روان شناختی و مدیریت رفتاری به ترتیب برابر ۱/۰۱۵ و ۰/۸۶۶ است؛ لذا با توجه به کمتر بودن سطح معناداری در هر دو مدل این گونه استنباط می شود که بهبود هر دو شاخص بهزیستی روان شناختی و مدیریت رفتاری باعث افزایش خلاقیت می شود. در مدل سوم اثر توأم بهزیستی روان شناختی و مدیریت رفتاری دارای ضریب رگرسیونی ۰/۰۳۱ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. لذا با توجه به معنادار بودن مدل سوم و متفاوت بودن مدل ها با یکدیگر می توان گفت مؤلفه دوم فرضیه اصلی مبنی بر اینکه بین سبک مدیریت رفتاری معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد با اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود. ضمناً آماره دوربین واتسون معیاری برای تعیین خود همبستگی خطاها (باقیمانده) مدل است که به طور کلی عددی بین ۰ تا ۴ است و هر چه به ۲ نزدیکتر باشد، مطلوب تر است که این موضوع در هر سه مدل رخ داده است.

**جدول ۴. تحلیل رگرسیون چندگانه تعاملی برای متغیر مستقل سبک مدیریت افراد**

مدل	متغیر	ضرایب	انحراف معیار	ضرایب استاندارد	T	مقدار احتمال	F	مقدار احتمال	R <sup>2</sup>	دوربین واتسون
۱	ضریب	۰/۵۳/۳۳	۱/۳۲۲	-	۲۴/۹۶۶	۰/۰۰۱	۴۴۸۰/۵۰۰	۰/۰۰۱	۰/۵۴۶	۱/۵۳۲
	بهزیستی روان‌شناختی	۱/۳۱۸	۰/۰۲۰	۰/۵۷۳	۶۶/۹۳۷	۰/۰۰۱				
۲	ثابت	۳۱/۳۳۳	۱/۴۴۴	-	۲۱/۷۰۶	۰/۰۰۱	۴۲۲/۲۳۰۳	۰/۰۰۱	۰/۵۴۷	۱/۵۳۲
	بهزیستی روان‌شناختی	۱/۲۵۹	۰/۰۲۹	۰/۵۳۰	۴۴/۱۶۸	۰/۰۰۱				
۳	مدیریت افراد	۰/۵۱۵	۰/۱۸۵	۰/۰۵۹	۲/۷۸۸	۰/۰۰۱	۱۸۷۳/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۵۷۸	۱/۸۲۹
	ثابت	۶۸/۰۵۲	۵/۴۴۳	-	۱۲/۵۰۲	۰/۰۰۱				
۴	بهزیستی روان‌شناختی	۰/۶۹۴	۰/۰۸۵	۰/۳۱۳	۸/۱۳۳	۰/۰۰۱	۱۸۷۳/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۵۷۸	۱/۸۲۹
	* مدیریت افراد	۰/۰۵۷	۰/۰۰۸	۰/۴۰۵	۶/۹۵۵	۰/۰۰۱				
مدیریت افراد		-۳/۳۶۵	۰/۵۸۳	-۰/۳۸۳	-۵/۷۷۱	۰/۰۰۱				

همان طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می شود میزان R<sup>2</sup> در مرحله اول (۰/۵۴۶) و در مرحله دوم بعد از وارد کردن متغیر تعدیل گر به شکل مجزا (۰/۵۴۷) است و در نهایت در مرحله سوم برای آزمون فرضیه اثر متقابل بهزیستی روان شناختی و مدیریت افراد به مدل اضافه شد و میزان R<sup>2</sup> (۰/۵۷۸) بدست آمد که میزان آن در مرحله سوم بعد از ورود اثر تعاملی بهزیستی روان شناختی و مدیریت افراد تغییر داشته است. لازم به ذکر است در مدل اول، ضریب رگرسیونی متناظر با شاخص بهزیستی روان شناختی ۱/۳۱۸ و سطح معناداری متناظر با آن ۰/۰۰۱ است، بنابراین با افزایش میزان بهزیستی روان شناختی میزان خلاقیت افزایش می یابد. از طرفی در مدل دوم ضریب استاندارد متناظر با بهزیستی روان شناختی و مدیریت افراد به ترتیب برابر ۱/۲۵۹ و ۰/۵۱۵ است؛ لذا با توجه به کمتر بودن سطح معناداری در هر دو مدل این گونه استنباط می شود که بهبود هر دو شاخص بهزیستی روان شناختی و

مدیریت افراد باعث افزایش خلاقیت می شود. در مدل سوم اثر توأم بهزیستی روان شناختی و مدیریت افراد دارای ضریب رگرسیونی ۰/۰۵۷ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. لذا با توجه معنادار بودن مدل سوم و متفاوت بودن مدل ها با یکدیگر می توان گفت؛ مؤلفه سوم فرضیه اصلی مبنی بر اینکه بین سبک مدیریت افراد معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد با اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود. ضمناً آماره دورین واتسون معیاری برای تعیین خود همبستگی خطاها (باقیمانده) مدل است که به طور کلی عددی بین ۰ تا ۴ است و هر چه به ۲ نزدیک تر باشد، مطلوب تر است که این موضوع در هر سه مدل رخ داده است.

فرضیه فرعی اول: بین سبک مدیریت کلاس همان با خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۵. نتایج ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	آماره	سبک مدیریت	
		آموزشی	رفتاری
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۰۵	۰/۴۳۶	۰/۴۳۹
خلاقیت	سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد آزمودنی		۲۵۶	۲۵۶

در جدول شماره ۵ ملاحظه می شود بین سبک مدیریت کلاس معلمان با خلاقیت دانش - آموزان مقطع اول متوسطه رابطه معناداری وجود دارد ( $p < 0/05$ ).

فرضیه فرعی دوم: بین سبک مدیریت کلاس معلمان با بهزیستی روان شناختی دانش - آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۶. نتایج ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	آماره	سبک مدیریت	
		آموزشی	رفتاری
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۴۸	۰/۳۲۸	۰/۴۳۲
بهزیستی روان شناختی	سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد آزمودنی		۲۵۶	۲۵۶

در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، سبک مدیریت کلاس معلمان با بهزیستی روان-شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه معناداری وجود دارد ( $p < 0/05$ ). فرضیه فرعی سوم: بین خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با بهزیستی روان شناختی آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۷. نتایج ضریب همبستگی پیرسون

متغیر	آماره	بهزیستی روان‌شناختی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۷۳	
خلاقیت	سطح معناداری	۰/۰۰۱
تعداد آزمودنی		۰/۲۵۶

در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، بین خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با بهزیستی روان شناختی رابطه معناداری وجود دارد ( $p < 0/05$ ).

## بحث و نتیجه گیری

فرضیه اصلی: بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با میانجی‌گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، بین سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش رسولی (۱۳۹۳)، پارسا (۱۳۹۳)، تجرد، فاضل و قاسمی (۱۳۹۳) همسو است.

فرضیه فرعی اول: بین سبک مدیریت کلاس معلمان با خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

بر اساس یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر، بین سبک مدیریت کلاس معلمان با خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه معناداری وجود دارد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش سلیمان نژاد (۱۳۹۳)، مشایخ و برزیده (۱۳۹۰)، سیگیلای (۲۰۱۵)، بوسیوک و سربیا (۲۰۱۴) و فایندر و بورگ (۲۰۱۳) همسو است.

فرضیه فرعی دوم: بین سبک مدیریت کلاس معلمان با بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه وجود دارد.

بر اساس یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر، سبک مدیریت کلاس معلمان با بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع اول متوسطه رابطه معناداری وجود دارد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش رستگار، صیف و مالکی (۱۳۹۷) همسو است.

بهزیستی روان شناختی مرحله ای از احساس شادی با سلامت همه جانبه به همراه رضایت از روابط میان فردی تعریف شده است (سالیمیراد و اسمیراتی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) و از همین روی است که با افزایش سبک مدیریتی کلاسی مؤثر و مثبت، مشخصه های مذکور در دانش آموزان فزونی می گیرد چراکه مدیریت کلاس نیز وجهی از تعاملات و روابط میان فردی محسوب می شود که در شرایطی که به صورت مثبت به کار گرفته شود احساس شادی با سلامت همه جانبه به همراه رضایت از روابط میان فردی نیز ارتقا می یابد. زمانی که معلمان از سبک کلاسی مناسبی استفاده می کنند تعاملات معلم و دانش آموزان و همچنین تعامل دانش آموزان با یکدیگر، در بالاترین حد است. در کلام معلم با مدیریت کلاسی مطلوب به جای خشونت، محبت نهفته است. از این رو دانش آموزان چنین معلمی، نه به خاطر فشار و اجبار، بلکه به خاطر تأثیر وی تشویق به همکاری می شوند. پس بنابراین مباحث، می توان نتیجه گرفت که دانش آموزان در پژوهش حاضر، بیشتر مایلند که با معلمان خود تعامل داشته باشند و در فرآیند برنامه ریزی و تدریس کلاسی نقش فعال داشته باشند و به نظر آنها توجه و احترام گذاشته شود که با این وجود بهزیستی روان شناختی در آنها افزایش می یابد.

1. Salimirad & Srimathi



فرضیه فرعی سوم: بین خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با بهزیستی روان شناختی آنان رابطه وجود دارد.

بر اساس یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر، بین خلاقیت دانش آموزان مقطع اول متوسطه با بهزیستی روان شناختی رابطه معناداری وجود دارد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش جوهری و حیدری (۱۳۹۴)، فاضل و قاسمی (۱۳۹۳) و تانکین و مارلو (۲۰۱۶) همسو است..

آماده سازی دانش آموزان برای تحولات جدید از مهم ترین وظایف معلمان باشد و تحقق نخواهد یافت مگر این که برای آموزش دانش آموزان از روش ها و شیوه هایی استفاده شود که خلاقیت دانش آموزان را تقویت کند. به نظر می رسد مطالبی که از طریق روش های سنتی به دانش آموزان ارایه می شوند پایایی چندانی نخواهند داشت و بعد از اندک زمانی از بین می روند ولی اگر از عوامل شکوفایی خلاقیت استفاده شود یادگیری عمیق و پایاتر صورت خواهد گرفت. بر این اساس، معلمان باید به جای انتقال صرف اطلاعات به دانش آموزان موقعیت های مناسبی را برای پرورش تفکر خلاق کودکان فراهم آورند. پس اگر بخواهیم کودکانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی به آنان می شود برنامه ریزی نماییم و یکی از مهم ترین عناصر شناخته شده که ارتباط بلافصلی با دانش آموز و پرورش استعدادهاى مختلف وی دارد معلم است و فرض بر این است که اگر معلم با نگرشی نوین، خلاق و مجهز به ابزارها و تکنیک های خلاقیتی، قدم به صحنه آموزش گذارد به طور طبیعی دانش آموزانی توانمند، خلاق و دارای اندیشه ای نو برای مواجه خردمندانه با زندگی و حل مسائل دنیای بشری به اجتماع تحویل خواهند داد. انسان هایی که از رویارویی با مسائل نهراسند، به راه های متفاوت و تازه برای بررسی موضوع و دستیابی به برترین راه حل ممکن بیندیشند. آموزش معلمان و برنامه ریزی صحیح و مناسب در امر آموزش به عنوان یکی از مهم ترین عناصر آموزش و پرورش در پرورش

خلاقیت، نقش کلیدی دارد. نگرش و سطح درک معلمان نسبت به خلاقیت و همچنین روش تدریس معلم، رابطه ای مستقیم باغنی سازی محیط کلاس و رشد خلاقیت دانش آموز و رضایت تحصیلی دارد.

به نظر می‌رسد این یافته را می‌توان این گونه تبیین نمود که معلمانی که از سبک مدیریتی مناسبی بهره می‌گیرند در مورد شرایط آموزشی و تدریس واکنش مناسب‌تری دارند و راحت‌تر آنها را مطرح و مشکلات را راحت‌تر کنترل می‌کنند و از همین روی است که تأثیر این مقوله بر خلاقیت دانش آموزان مثبت به نظر می‌رسد. در واقع معلمانی که از سبک مدیریتی مناسبی بهره می‌گیرند، فضا را برای بررسی راه‌های مختلف برای یک موضوع در کلاس درس آزاد گذاشته و همین مسأله می‌تواند در رشد خلاقیت دانش آموزان کمک‌کننده باشد. چنانچه در متن مقاله ذکر شد در پژوهشی، نقش مدرسان در فراهم آوردن محیط مثبت در کلاس درس، داشتن روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، فرصت و استقلال به فراگیران را از مهم‌ترین عوامل رشد خلاقیت دانش آموزان می‌داند و مناسب‌ترین بستر برای پرورش خلاقیت، نظام تعلیم و تربیت و در بطن آن، مدرسه است (اوجی نژاد، ۱۳۸۹). به طور کلی امروزه بر بهبود ویژگی‌های مثبت در قلمرو روان‌شناسی مثبت‌گرا، که هدف آن گسترش حیطه سلامت روان و تمرکز بر عملکرد بهینه است، توجه بسیاری شده است (تومبا و همکاران، ۲۰۱۷). روان‌شناسی مثبت‌نگر بر خصیصه‌های مثبت، هیجانات مثبت، نقات قوت، فضائل و ارزش‌ها توجه دارد (سیلیبر و فلوت من، ۲۰۱۶). علاقه به بهزیستی روان‌شناختی به عنوان نتیجه‌ای از مداخلات روان‌شناختی روبه رشد و فزونی است. ریف دیدگاه بهزیستی روان‌شناختی و ابعاد آن را توسعه داده است (ویس و همکاران، ۲۰۱۵). ریف (۱۹۹۵) مدل خود از بهزیستی روان‌شناختی را تلاش برای رشد و پیشرفت در جهت تحقق بخشیدن به توانایی‌های بالقوه فرد می‌داند. در روان‌شناسی، بهزیستی به عنوان عملکرد مطلوب انسان تعریف می‌شود (نل، ۲۰۱۱) و بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر سبک مدیریت کلاس معلمان با بهزیستی روان‌شناختی

رابطه دارد. کلاس درس به عنوان کوچکترین خرده سیستم نظام آموزشی به تبع تحولات و تغییرات اجتماعی و آموزشی در حال تغییر است. از میان عناصر کلاس درس، نقش معلم در تحقق اهداف آموزشی و تربیت دانش آموزانی متناسب با جهان امروز بسیار مهم و اساسی است. استفاده از روش های خلاقانه مثل بارش فکری و امثال آن می تواند به گونه ای اجرا شود که از دانسته های دانش آموزان استفاده و معلومات لازم ارائه شده و خودشان پاسخ سؤالات را کشف نمایند. دانش آموزان هر یک ویژگی های خاص به خود دارند و همین امر موجب می شود که یک روش آموزش مخصوص، نیازهای یادگیری کلیه دانش آموزان را برآورده نسازد. مدیریت کلاس شامل روش ها و فنون اگر به موقع و با درایت و نکته-سنجی لازم به کار رود به دانش آموزان کمک می کند تا در فعالیت یادگیری موفق باشند و به معلمان کمک می کند تا با اطمینان و اعتماد به نفس از حداکثر توان در آسان تر کردن یادگیری و تأثیرپذیری بهره گیرند در نتیجه همین فرآیند خود می تواند زمینه ساز رشد و توسعه خلاقیت دانش آموزان باشد. از طرفی وقتی این جو برقرار می شود و شبکه مدیریتی کلاس مطلوب باشد، می تواند بهزیستی روان شناختی دانش آموزان را ارتقاء داده و خود این مهم (بهزیستی روان شناختی) در کنار شبکه مدیریتی کلاس درس به ارتقاء خلاقیت کمک شایانی نماید. از سویی چنانچه در متن ذکر شد به عقیده پلوسنیک (۲۰۱۸) خلاقیت یکی از پیش بینی کننده های خردمندی افراد است. به عبارت دیگر، از پیچیده ترین و عالی-ترین جلوه های اندیشه افراد، مفهوم قدرت خلاقانه و مفهومی (بهزیستی روان شناختی) تفکر خلاق است. راجرز که از جمله روان شناسان انسان گراست در تعریف خلاقیت می-نویسد: به نظر می رسد مفهوم قدرت خلاقه و مفهوم سلامتی، انسان بودن، خودمحقق بودن، به یکدیگر نزدیک و نزدیک تر می شوند و ممکن است همگی به یک مفهوم تبدیل شوند به این معنی که قدرت خلاقه موجب تحقق اهداف و سلامت جامعه و انسان ها شود(نقل از ثابت مقدم و بهرامیان (۱۳۹۵).

آینده نگری: آماده سازی دانش آموزان برای تحولات جدید، از مهم ترین وظایف معلمان باشد و تحقق نخواهد یافت مگر اینکه برای آموزش دانش آموزان از روش ها و شیوه هایی استفاده شود که خلاقیت دانش آموزان را تقویت کند. به نظر می رسد مطالبی که از طریق روش های سنتی به دانش آموزان ارائه می شوند پایایی چندانی نخواهند داشت و بعد از اندک زمانی از بین می روند، ولی اگر از عوامل شکوفایی خلاقیت استفاده شود، یادگیری عمیق و پایاتر صورت خواهد گرفت. بر این اساس، معلمان باید به جای انتقال صرف اطلاعات به دانش آموزان موقعیت های مناسبی را برای پرورش تفکر خلاق کودکان فراهم آورند. پس اگر بخواهیم کودکانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی به آنان می شود برنامه ریزی نمائیم و یکی از مهم ترین عناصر شناخته شده که ارتباط بلافصلی با دانش آموز و پرورش استعداد های مختلف وی دارد معلم است و فرض بر این است که اگر معلم با نگرشی نوین، خلاق و مجهز به ابزارها و تکنیک های خلاقیتی، قدم به صحنه آموزش گذارد به طور طبیعی دانش آموزانی توانمند، خلاق و دارای اندیشه ای نو برای مواجه خردمندانه با زندگی و حل مسائل دنیای بشری به اجتماع تحویل خواهند داد. انسان هایی که از رویارویی با مسائل نهراسند، به راه های متفاوت و تازه برای بررسی موضوع و دستیابی به برترین راه حل ممکن بیندیشند. آموزش معلمان و برنامه ریزی صحیح و مناسب در امر آموزش به عنوان یکی از مهم ترین عناصر آموزش و پرورش، در پرورش خلاقیت نقش کلیدی دارد. نگرش و سطح درک معلمان نسبت به خلاقیت و همچنین روش تدریس معلم، رابطه ای مستقیم با غنی سازی محیط کلاس و رشد خلاقیت دانش آموز و رضایت تحصیلی دارد.

تعمیم: اصولاً یکی از شاخه های رشد و ابتکار هر کشوری، شکوفایی و تجلی خلاقیت و ابتکار عمل به عنوان زیر ساخت آن جامعه است. جوامعی که بتوانند خلاقیت نسل جوان را احیا و شکوفا سازند از میزان قابل توجه توسعه، رشد و شکوفایی عمل برخوردار خواهند شد

و بالعکس به هر میزان که خلاقیت، پرورش و تعالی و شکوفا نشود رکود علمی، صنعتی و فرهنگی را باید برای آن جامعه انتظار داشت. در جهان امروز بالاترین و بهترین تولید برای کشورهایی که بخواهند حرف اول را در دنیا داشته باشند تولید فکر نو و ایده است و این امر به خوبی ضرورت توجه به خلاقیت و پرورش آن را در دانش آموزان نشان می دهد. در حالی که خلاقیت هر روز کمتر از پیش مبنای آموزش و پرورش قرار می گیرد. از این رو، کند و کاو مجدد درباره خلاقیت، امری ناگزیر و الزامی است. بنابراین هر قدر سبک مدیریت کلاس معلمان مثبت و تعاملی و سازنده باشد می تواند در رشد و گسترش خلاقیت دانش آموزان اثرات مطلوبی برجای بگذارد. به زعم استرنبرگ (۱۹۸۹) خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی است که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود. از طرفی مارتین و بالدوین (۲۰۱۰) با یک دیدگاه جامع به مفهوم مدیریت کلاس و براساس چهارچوب مفهومی ولفگانگ و گلیکمن، سه بُعد مهم برای رفتار مدیریت کلاس معلم فرض کرده اند؛ مدیریت افراد، مدیریت آموزش و مدیریت رفتار، که بر اساس یافته های این پژوهش خلاقیت با مدیریت کلاس درس رابطه دارد. در تبیین این یافته باید اذعان داشت که مدیریت کلاس یکی از مهم ترین چالش های آموزشی در مدارس است. اگر مدیریت کلاس به خوبی انجام نگیرد، حتی اگر معلمان به خوبی از مهارت های تدریس برخوردار باشند باز هم برقراری ارتباط در جریان تدریس مختل می شود و همین امر مسأله خلاقیت دانش آموزان را با چالش مواجه می سازد. بهزیستی روان شناختی مرحله ای از احساس شادی با سلامت همه جانبه به همراه رضایت از روابط میان فردی تعریف شده است (سالمیراد و اسمیراتی، ۲۰۱۶) و از همین روی است که با افزایش سبک مدیریتی کلاسی مؤثر و مثبت، مشخصه های مذکور در دانش آموزان فزونی می گیرد چرا که مدیریت کلاس نیز وجهی از تعاملات و روابط میان فردی محسوب می شود

که در شرایطی که به صورت مثبت به کار گرفته شود، احساس شادی با سلامت همه جانبه به همراه رضایت از روابط میان فردی نیز ارتقا می یابد.

به نظر (تورنس، ۲۰۰۰ و ادلمن، ۲۰۰۸) خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل، کمبودها، مشکلات و خطاهای موجود در دانش، حدس زدن، تشکیل فرضیه هایی در باره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش این حدس ها و فرضیه ها و احتمالاً اصلاح و آزمودن مجدد آنها و در نهایت نتیجه گیری، که این خصیصه با بهزیستی روان شناختی رابطه دارد.

۴) پیشنهادها: بسترسازی مناسب در جهت رشد مثبت و سازنده سبک مدیریت کلاس معلمان در زمینه ارتقاء خلاقیت در تمامی ابعاد در مدارس و نظام آموزشی فراهم شود.

تشویق دانش آموزان به داشتن ایده های بکر و نو؛ ایده هایی که کم و بیش برای خود آن ها بکر است. ضمن پذیرش ایده های بکر، معلمان زمینه ابراز آن ها را فراهم کنند.

طرح مطالب درسی به صورت مسأله و معما برای شاگردان (معلم به جای بیان مطالب درسی یا ذکر حقایق علمی، باید دانش آموزان را به طرح مسائل ترغیب کند و این روش را سرلوحه مدیریت کلاس درس نماید). معلم باید به دانش آموزان اجازه دهد تا مسائل، نظرات و ایده های خود را اعلام نمایند و این ایده ها را نقد و بررسی نموده و مورد آزمایش قرار دهند. به دانش آموزان فرصت بیشتری داده شود تا در امور تحصیلی و مدیریت کلاس شرکت نموده و با معلم و همکلاسی های خود تعامل بیشتری داشته باشند که با افزایش این تعاملات فی مابین، بهزیستی روان شناختی آنها افزایش می یابد. تدوین و اجرای سیاست های انگیزشی و تشویقی برای معلمان به منظور توسعه مدیریت اثربخش کلاس درس؛

طرح موضوع خلاقیت و بهزیستی روان شناختی به صورت کاربردی در جلسات شورای معلمان؛ تشویق معلمان به آزمایش و کاربست روش های نو در مدیریت کلاس در راستای دستیابی به خلاقیت دانش آموزان؛ ایجاد محیط آزاد و روابط صمیمانه میان معلمان و مدیران مدارس برای کاربست یافته ها و روش های نوین به منظور توسعه خلاقیت.

**سپاسگزاری:** این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی واحد تهران مرکزی است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می دانند از زحمات کسانی که ما را در این مقاله یاری رساندند تشکر و قدردانی نمایند.

## منابع و مآخذ

- اوجی نژاد، احمدرضا (۱۳۸۹). تأثیر به کارگیری الگوی تدریس بدیعه پردازی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان در درس انشاء، فصلنامه روان شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹، ۲۸ - ۳۱.
- اصغری، عیسی؛ ناستی زایی، ناصر و پورقاز، عبدالوهاب. (۱۳۹۵). رابطه سبک های مدیریت کلاس با انگیزش پیشرفت و یادگیری خودراهبر دانشجویان تحصیلات تکمیلی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. نشریه گام های توسعه در آموزش پزشکی، سال سیزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵).
- باب السلام، صفورا و شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۹۲). نقش جهت گیری هدف پیشرفت در خلاقیت دانش آموزان دوره راهنمایی شهرستان اصفهان. مجله مطالعات آموزشی و یادگیری، ۵ (۲)، ۱-۲۱.
- بابایی امیری، ناهید و عاشوری، جمال. (۱۳۹۳). ارتباط راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی، خودکارآمدی، خلاقیت و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی. راهبردهای شناختی در یادگیری، ۲ (۳)، ۹۳-۱۰۸.
- پارسا، منوچهر (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی های شخصیت، خودکارآمدی هیجانی و خلاقیت هیجانی با بهزیستی مدرسه در دانش آموزان دوره متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- پرینجی، معصومه. دلاور، علی و فرخی، نورعلی (۱۳۹۸). نقش سلامت روان در رفتارهای خلاقانه دانش آموزان شاهد تهران. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره هشتم، شماره چهار، بهار، ۱۵۳-۱۷۰.

تجرد، افروز؛ فاضل، امین اله و قاسمی، فرشید (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های تفکر خلاق و نقادانه در بهزیستی روان شناختی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر جهرم. تفکر و کودک، ۵ (۱)، ۲۱-۳۷.

تعویقی، مینا و کراسکیان، احمد (۱۳۹۰). رابطه مسئولیت پذیری با خلاقیت در دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر کرج. یافته های نو در روان شناسی، ۶ (۴)، ۸۰-۹۴.

ثابت مقدم، مرتضی و بهرامیان، پریسا (۱۳۹۵). پرورش خلاقیت. کودکان و نوجوانان خلاق را بهتر بشناسید. اصفهان. انتشارات فرهنگ و مردم.

جهان تیغ، مینا و فتحی، کوروش. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با بهزیستی دانش آموزان دختر متوسطه اول شهرستان زابل. دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی. تهران.

جوهری، پروین و حیدری، مصطفی (۱۳۹۴). رابطه خلاقیت، سخت رویی و جهت گیری هدفی با بهزیستی روان شناختی دانش آموزان مقطع متوسطه. دومین همایش ملی روان شناسی و علوم وابسته. تربت جام.

خلعتبری، جواد و سهیلی پور، فاطمه زهرا (۱۳۹۶). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان اصفهان. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره هفتم، شماره دو، پائیز، ۱۶۷-۱۸۸.

رسولی، اسعد (۱۳۹۳). بررسی رابطه خلاقیت جهت گیری هدف پیشرفت با سبک مدیریت کلاسی معلمان ابتدایی شهرستان پیرانشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ارومیه.

رسولی و عیسی مراد (۱۳۹۵). اثر بخشی روش تدریس بدیعه پردازي بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره ششم، شماره یک، تابستان ۹۵، ۱۵۷-۱۷۴.

رستگار، احمد؛ صیف، محمدحسن و مالکی، راحله (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های مدیریت کلاس با بهزیستی تحصیلی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی در بین دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه بوشهر. آموزش در علوم پزشکی، ۱۸ (۵)، ۲۵-۳۸.



سلیمان نژاد، اکبر (۱۳۹۳). رابطه سبک رفتار رهبری معلم با خلاقیت دانش آموزان مدارس راهنمایی. مجله تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۵ (۱۰)، ۵۹-۷۶.  
 شریفی، علی اکبر؛ داوری، رقیه (۱۳۸۸) مقایسه تأثیر سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی. مجله روانپزشکی و روان شناسی ایران، ۱۵ (۱)-۵۷-۶۲.

کفایت، محمد. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت دانش آموزان سال اول دبیرستان های اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اهواز.  
 مشایخ، پریجان و برزیده، ام البنین (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سبک رفتار رهبری معلم بر خلاقیت دانش آموزان دبستانی. نوآوری های مدیریت آموزشی، ۲۱، ۱۳۱-۱۴۴.  
 مهرآمیز، سارا. اکبری بوزنگ، محمد و رستمی نژاد، محمد علی (۱۳۹۶). تبیین رفتارهای نوآورانه معلمان براساس باورهای غیرمنطقی و تفکرسیستمی آنان. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره هفتم، شماره ۳، زمستان، ۱۹۵-۲۱۶.

و کیلی، عابدین؛ حاجی آقاجانی، سعید؛ رشیدی پور، علی و قربانی، راهب. (۱۳۸۹). بررسی عوامل تاثیرگذار بر ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان: یک مطالعه جامع در دانشگاه علوم پزشکی سمنان. فصلنامه کوشش، ۱۲ (۲)، ۹۳-۱۰۳.

هژبری، امیر و شفیق زاده، حمید (۱۳۹۶). رابطه سبک مدیریت کلاس مبتنی بر خلاقیت با کیفیت زندگی در مدرسه و اضطراب دانش آموزان. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره هفتم، شماره ۳، زمستان، ۱۰۷-۱۳۲.

Adelman, K. (2008). *Resiliency and Creativity. Articles from Rostered Lay Ministers*, 21 (6), 96-109.

Ayyash-Abdo, H., & Sánchez-Ruiz, M. (2012). Subjective wellbeing and its relationship with academic achievement and multilinguality among Lebanese university students. *International Journal of Psychology*, 47(3), 192-202.

Batastini, S. D. (2012). The relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. *Dissertation Abstract International section A: Humanities and social science*, 62.

- Bemjo-Toro, L., & Prieto-Ursúa, M. (2006). Teachers' irrational beliefs and their relationship to distress in the profession. *Psychology in Spain*, 10(1), 88-96.
- Bosiok, D. & D. Serbia, D. (2014). 'Teachers Leadership styles and students creativity', *Online Journal of Applied Knowledge Management*, 1 (2), 78-89.
- Dalton, m. (1986). *The thought of teachers when practicing two models of teaching*. Doctoral dissertation, University of Oregon.
- Deci, E. L & Ryan, R. M. (2008). *Hedonia, eudemonia, and well-being: An introduction*. *Journal of Happiness Studies*, 9, 1-11.
- Dinsmore, T. (2012). *classroom managemen. Personality and Individual Differences*, 47, 906–911.
- Djigic G, Stojiljkovic S. (2013). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. *Procedia Soc Behav Sci*; 29(2011); 819-28.
- Ellis, A. (1977). *The basic clinical theory of rational-emotive therapy*. *Handbook of rational-emotive therapy*, 1(1977), 3-34. doi: 10.1023/A:1023921619370.
- Fayender, R. & Bourg, L. (2013). The role of teachers' management style in predicting the responsibility and creativity of Dutch students. *Australian Educational and Developmental Psychologist*, 24(1), 5-18.
- Gupta, Vishal. (2012). Psychological Capital as a Mediator of the Relationship between Leadership and Creative Performance Behaviors: *Empirical Evidence from the Indian R&D Sector available in:*  
[https://facultylive.iimcal.ac.in/sites/facultylive.iimcal.ac.in/files/WP\\_S%20711.pdf](https://facultylive.iimcal.ac.in/sites/facultylive.iimcal.ac.in/files/WP_S%20711.pdf)
- Hoy, W. K. (2005). The pupil control studies: Historical, theoretical and empirical analysis. *J Educational Administration*; 39(5): 424-41.
- Kaloon, S. B., Gilbert, C & Alon, T. (2015).The prediction of educational well-being and the sense of belonging to the school in single-parent students based on emotional intelligence and creativity. *Int J Methods Psychiatri Res*, 14, 29-۲

- Martin, N. & Baldevein, R. (2010). Beliefs Regarding classroom management style. *Journal of Research in Rural Education*, 15, 2, 1-5.
- Morrison, Leslie & Vorhaus, John. (2012). *The Impact of Pupil Behaviour and Wellbeing on Educational Outcomes*. Available in: [https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment\\_data/file/219638/DFE-RR253.pdf](https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/219638/DFE-RR253.pdf).
- Newcombe, N. S., Ambady, N., Eccles, J., Gomez, L., Klahr, D., Linn, M., Miller, K., & Mix, K. (2012). Psychology's role in mathematics and science education. *American Psychologist*, 64 (6), 538-550.
- Oriahi, C. (2009). Influence of Motivation on Students' Academic Performance. *The Social Sciences*, 4(1), 3-36.
- Pervin, L. A., & John, O. P., (1997). Personality (theory and research).
- Plóciennik, E. (2018). Children's creativity as a manifestation and predictor of their wisdom. *Thinking Skills and Creativity*, 28, 14-20.
- Runco, M. A. (2015). *Creativity: Theories and themes: Research, development and practice*. San Diego, CA: Academic Press
- Ryff, C. D. (2008). Psychological well-being in adult life. *Current Directions in Psychological Science*, 4, 99-104.
- Ryff, C. D. & Singer, B. (2009). *Ironies of the human condition: Well-being and health on the way to mortality*. Washington, DC, US: American Psychological Association.
- Salimirad, Fatemeh. Srimath, N. L. (2016). The Relationship Between, Psychological Well Being and Occupational Self-Efficacy among Teachers in the City of Mysore, India. *Indian Psychology*. 3(3): 14-21.
- Sigilai, R (2015). 'A review of issues on the importance of head teacher's management to academic excellence in public primary schools in Kenya. *International journal of Advanced Research*, 1 (3), 161-175.
- Tankein, F. N. & Marlow, J. (2016). The Effectiveness of Creative Thinking Training on Academic Self-Efficacy and

Student's Psychological Well-being. *Journal of Counseling Psychology*, 10 (4), 387-394.

ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره نهم، شماره دو، پاییز ۹۸

